



با سلام و احترام و ضمن آرزوی توفیق و سلامتی برای شما خوانندگان عزیز، بیستمین شماره از نشریه تلنگر تقدیم نگاه شما می شود. امید آنکه این بار نیز تلاش مجموعه عوامل تلنگر، مورد رضایت شما قرار گیرد.

شاید انجام بسیاری از کارها نیاز به بهانه و یا اتفاق خاصی نداشته باشد، اما بی بهانه فراموش شان کرده باشیم. اما همگی در گوشه تقویم ذهن مان روزهایی را ثبت کرده و هرساله مرورش می کنیم تا در پس این هیاهوهای پوچ روزمرگی زندگی، بهانه ای برای فراموش شدن شان نداشته باشیم. شهادت شهید مطهر، مرتضی مطهری فرصت و بهانه ایست تا فداکاری ها و زحمات معلمان و مربیان عرصه تعلیم و تربیت که بدون توقع از هر اجر و تقدیری است، ارج و قدر دانسته شود. معلمانی که شمع وار، همواره خود می سوزند تا روشنایی دانایی برافروزند.

بی تعارف و شعار، هرگونه جفا و خطا نسبت به معلمان و نیز دانشجومعلمان، جفا و خطایی است مضاعف در قبال فرزندان و نسل های آینده ساز آینده، چه آنکه این جفا از سمت مسئولین و سیاست گذاران باشد و چه اینکه این جفا از سمت ما معلمان آینده باشد، در برابر تعهد و مسئولیت معلمی خودمان.

عاشق عشق ورزیدن

شرح اسم معلم را اینگونه بگوییم ؛ عاشق دیوانه، هم ردیف عشق و جنون، از چه باید دانست که تربیت انسان را در کارزار زندگی همسنگ چه چیزی بدانیم؟! در هزارتوی این جهان بی رحم که همواره رنگ عافیت از آن آویخته است، رنگ مهر را نمیتوان حس کرد. معلمان کسانی هستند که در پس اتهام به دنیای آرمانی انتزاعات ذهن خود، لبخند یک کودک را قرین با فواره های رحمت میدانستند و در تمام سیاهی جامعه تشعشعی از باریکه نور امید به پا کردند. خالقی که مخلوقش به زیبایی ماهی سیاه کوچکی در ذهن درخشان یک کودک بود. در عنفوان جوانی دلباخته کلاس درس بود. عاشق عشق ورزیدن... که پایان داستانش چون مخلوق سیاه کوچکش ملال زده از جامعه، خونبار بود. در دنیایی پر از دشمن و تزویر و جنگ. صمد بهرنگی در داستان هایش زندگی می کرد، با دانش آموزانش با یاشار در اولدوز و کلاغ ها که آدم های قصه هایش می شدند. از کوچه و بازار قصه هایش زاده

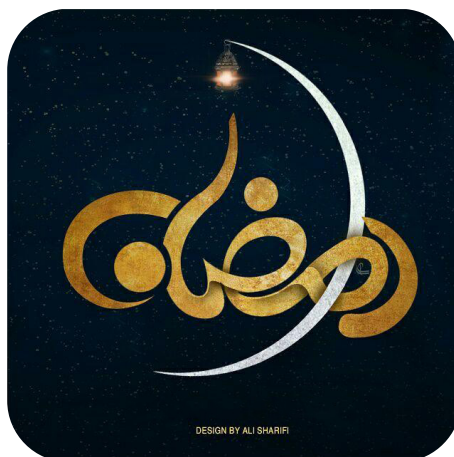


می شد. داستان هایش درد اطرافیانش بود که در تنهایی روی کاغذ جوهرش می گریست اما از شکوه و ناله بی زار بود. آقا معلم فارغ از اندوه نبود اما بردبار بود. در تنگدستی خود بزرگ شده بود آنان را می دانست و خود سوز سرما را چشیده بود. او از ادبیات کودکان ندایی به بلندای کهربای رنگین خیال کودکی با قامت تلخ آگاهی غرق در تاریکی دردآور بزرگسالی سرداد. او دیواری میان سادگی شعر و پیچیدگی کلمات کشید. آقا معلم بلندای افکارش خیلی فراتر از عمر کوتاهش بود و شاید این حجم اندوه هایش بود که با ارس غرق شد... پیوسته از اشتراکات می گفت در میان لغات، کلمات، سرزمین. اهل خواندن سرود هم بستگی بود. با خود زمزمه میکرد: مثل درخت سنجد کج و معوج و قانع به آب کم، و شدم معلم روستاهای آذربایجان. پدرم می گوید: اگر ایران را میان ایرانیان تقسیم کنید، از همین بیش تر نصیب تو نمی شود. اما مهم سهم نبود، معلمی برایش پیشه نبود، عشق بود...

شاهین کیارش پور
کارشناسی علوم تربیتی

شفا بخش جسم، توان بخش روح

میهمان شده ایم، میزبان خداست. ظرفیت این مهمانی نا محدود است. عجب دعوتنامه با عظمتی! قرآن! «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم...» زمان مهمانی؛ ماه مبارک رمضان. سفره اش همه گیر است و وسیع. عجب غذاهایی! سلامت، رحمت، طاعت، صبر، گذشت، امتناع، ادراک و... عجب مهمانی زیبایی است! ماه رمضان ماه طاعت است و بندگی. این ماه پربرکت فرصت آزاد شدن از قفس شهوات و تمایلات حیوانی است، اوج سیر و سلوک نفس است. لحظه ای که از خوردن و آشامیدن امتناع می کنیم، همان لحظه ای است که توان انجام آنرا داریم اما از آن خودداری می کنیم و شایسته است تا این لحظه را فرصت و غنیمت بشماریم. این لحظات، خشت خشت طاعت هستند که



دادن نفس نیست، عذاب دادن تن و اعضاء بدندان نیست، روزه استراحت دادن به جسم است، فرصت دادن به بازیابی جسم است. روزه، پیشگیری از بیماری های ناشی از بی رحمی هایی است که طی ۱۱ ماه به جسم خود می کنیم. این حرف بی پایه و اساس نیست، اثبات علم پزشکی و فیزیولوژیک است. علم پزشکی روز، امساک را راه درمان و پیشگیری می داند و در اینجاست که فرموده نبی اکرم (ص) که میفرمایند: «روزه بگیرد تا سالم بماند»، چهره می نمایاند و باز هم علم و دین را به آغوش هم می رساند.

حجت حاجی زاده
کارشناسی علوم اجتماعی

ساختمان صبر را در وجود ما بنا می کنند. بدانیم که خداوند متعال از ملموس ترین نیاز انسان یعنی گرسنگی و تشنگی که مشترک همه سنین می باشد، به عنوان نقطه عطفی اراده کرده است تا لحظه لحظه این زمان را مراقب خود باشیم. نگاهمان، زبانهمان، رفتارمان، اخلاقمان، وظیفه و مسئولیتیمان را مراقبت کنیم. روزه زجر

میوه های تلخ!

اعلام آمادگی کرد. دانشگاهی که ناتوان از جذب دانشجو برای خود می باشد، بهتر است لقمه‌های اندازهی خود بردارد. دانشگاه پیام‌نور از سال تاسیس خود، دقیقاً چه ثمره و فایده‌ای برای نظام آموزشی کشور داشته که حالا انتظار دارد وظیفه‌ی تعلیم و تربیت دانشجو معلمان را به آن‌ها بسپارند؟ نویسندگان این طرح اگر با غرض به تدوین آن پرداخته باشند، تاوان غرض‌ورزی خود را خواهند داد. اما چنانچه با نیت خیرخواهی خواسته اند قدمی بردارند، می‌توانند با واگذاری محیط فیزیکی و همچنین اساتید برتر خود به کمک دانشگاه فرهنگیان شتافته و ظرفیت تربیت دانشجو معلمان را بیش از پیش کنند.

فرهاد پادری
کارشناسی علوم اجتماعی

خوردن و تعطیلی کامل آن باقی مانده است. تلاش‌ها برای جلوگیری از اجرای طرح به سرعت انجام گرفت. اما شاید بهتر است که تلاش‌هایی برای تغییر این نوع نگاه نیز انجام بگیرد. چرا که در این بین، این تلقی هزینه‌بر بودن دانشگاه فرهنگیان است که به تولید طرح‌هایی از جنس خرید خدمات و واگذاری دانشگاه فرهنگیان می‌انجامد. مقابله با چنین طرح‌هایی مانند چیدن میوه‌های درختی است که به سرعت با میوه‌هایی دیگر جایگزین می‌شود؛ میوه‌هایی تلخ و سمی! آری پس بهتر است که با ریشه‌های این درخت درافتاد. ریشه‌های نه از جنس صلابت و اقتدار بلکه از جنس تزلزل و ضعف. اگر بتوان ریشه‌ی هزینه‌بر تلقی کردن دانشگاه فرهنگیان و البته معلمی را زد، دیگر جای نگرانی برای تولید میوه‌هایی با ویژگی‌های فوق نیست. دانشگاه پیام نور برای تربیت معلمان

سخن‌ها و قلم‌های متعددی در تبیین جایگاه معلمی، تاکنون رانده و نوشته شده اند. معلمان با مهمترین سرمایه هر کشوری سروکار دارند؛ سرمایه‌ی نیروی انسانی. اما معلوم نیست چرا در کشور ما گاه و بیگاه، با دلیل و بی دلیل مدام به دنبال تنزل دادن این جایگاه هستند. تا چندی پیش، طرح خرید خدمات خواب را از چشمان افراد دغدغه‌مند و متعهد دانشگاه فرهنگیان گرفته بود. طرحی که با نگاهی هزینه‌ساز به معلمان می‌نگریست و البته با پیگیری‌های بسیار از تصویب آن جلوگیری شد. حال انگار قرار است که این چرخه کماکان ادامه داشته باشد. نگاه هزینه‌ای به آموزش و پرورش کما فی السابق وجود دارد. نگاهی غلط و ابر! طرح جدید با نام واگذاری دانشگاه فرهنگیان به پیام نور کلید خورده است. بله! همان دانشگاه پیام‌نوری که به واسطه‌ی ناکارآمدی اش، سیر افولی را طی می‌کند و چیزی تا زمین

کارگروه رسانه

اندیشه‌های شهباز مطهری

۱ معلم برجسته و همیشه زنده

یاد شهید عزیزمان، معلم برجسته و همیشه زنده و یادمان، مرحوم شهید مطهری را باید گرامی بداریم. من عرض کنم؛ اینکه روز معلم در سالگرد شهادت شهید مطهری قرار دادند، یک معنای نمادین و پررنگ و پریموسونی دارد؛ چون فعلاً و انصافاً مرحوم شهید مطهری یک انسان بزرگ و برجسته بود زندگی او، تلاش و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساسی درد، همراه با یک بصیرت کامل در میدان علم و فرهنگ بود. خدای تعالی هم این مرد بزرگ را مأجور کرد، بانثاد داد و شهادت را نصیب او کرد در واقع او را زنده نگه داشت

۲ یک معلم کامل و با احساس مسئولیت

فقط رفتار و منش آن مرد بزرگ، نشان‌دهنده و نمایانگر یک معلم کامل و با احساس مسئولیت بود. در هیچ عرصه‌ای از عرصه‌هایی که حضور یک متفکر اسلامی مورد نیاز بود، ایشان از ورود در آن عرصه خودداری نکرد؛ مباحثات و مصالح توناست جلی او را بگیرد که وارد این عرصه نشود؛ چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های فکری. در زمینه‌ی پاسخ به سوالات گوناگونی که در آن دوره ذهن خودنهایی ما را به خود مشغول کرده بود. شهید مطهری مثل برخی از مدعیان روشنگری دینی نبود که مطالب اجتناب از منطق دین و محتوی دین را با تعابیر دینی و قالبی دینی کند؛ بلکه درست نقطه‌ی مقابل مفاهیم حقیقی دینی را در سینه‌بندی‌های مناسب روز و متناسب با سوال و نیاز و استفسار مخاطبین عرضه میکرد.

۳ حرف‌های او تازه است

امروز بعد از سه سال از شهادت آن مرد بزرگ، حرف‌های او تازه است؛ زنده است؛ گویا برای امروز نوشته شده است. آن روز هم کسانی در سطوح مختلف فکری، از سخن او و فکر او استفاده می‌کردند؛ پاسخ خودشان را می‌گرفتند؛ امروز هم که افکار جلو رفته است، مناسبات بسیاری برای ذهنهای جستجوگر حل شده است. باز به سوالات جدید پاسخگو است. این خاصیت یک فکر عمیق همراه با اخلاص است

۴ وظیفه‌ی مقدس

شهید مطهری از کسانی بود که کار کردن و درس گفتن فقط به خاطر یک وظیفه‌ی مقدس بود. آن هم بی آن که کسی وادارش کند یا از وی بخواهد. البته بیشتر محققین دنیا این گونه‌اند. همه‌ی پیشرفت‌های علمی دنیا نیز این گونه پیش آمده است که کسانی از روی عشق یا ایمان و یا هر دو، کار کرده‌اند. یا باید عشق به کار باشد یا ایمان به کواب الهی، یا هر دو با هم. و شما می‌توانید هر دو را داشته باشید. این گونه می‌شود که ملت ایران می‌تواند آن استقلال حقیقی و واقعی را که استقلال سیاسی مقده‌ی آن است و آن نیز به یک معنا پشتوانه و پشتیبان و نگهدارنده‌ی استقلال سیاسی است، تأمین کند.

۵ آگاهی‌های اسلامی عمیق

سعی کنید آگاهی‌های اسلامی عمیق را در حوزه‌ی کاری خودتان گسترش بدهید. امروز خوشبختانه مسائل این کارها هم فراهم است. همین نوشته‌های شهید مطهری و نوشته‌های فضلای و علمای برجسته‌ای که امروز در قم و تهران و جاهای دیگر هستند، چیزهای خوبی است. مطالب خوبی است. مطالب خوبی است. در آنها معنویت هست، عقابیت هست، دقت هست. آینه‌نگری هست ذهن خودتان را به این معارف تبدیل کنید و این را در محیط پیرامون خودتان گسترش بدهید.

۶ شهید مطهری چرا موفق شد؟

مرحوم شهید مطهری (رضوان‌الله‌علیه) در میدان مبارزه با افکار اشتباهی فعال بود؛ حقیقتاً هم به‌پهلوی این میدان بود؛ اما شهید مطهری چرا موفق شد؟ چرا این اثر عمیق و گسترده را از جهت ایجابی و سلبی در جامعه‌ی فکری ما گذاشت؟ چون برای آماندساری خود، تلاش فراوان علمی کرده بود؛ بعد هم برای خرج کردن این ذخیره‌ی علمی، به هیچ‌وجه سستی و کوتاهی نکرده بود. مرحوم مطهری آرام نداشته؛ مرتب مشغول یادداشت کردن، تنظیم یادداشت، مرتب کردن سخنرانی‌هایی که خود او انجام داده بود، به‌دست آوردن شواهد گوناگون و نویسنه در زمینه‌های فکر و اندیشه‌ی مذهبی و دینی، و پاسخ‌گویی به اعتراضات بود. در این مرد اسبلا شلی وجود نداشت؛ لذا با آن ذخیره‌ی علمی و کرامت‌مدی علمی نوانست اثر بگذارد.

۷ انبوهی از معارف

امروز روحانیون در بخش‌های گوناگون حضور دارند. که در گذشته امکان حضور آنها نبود - مثل اداره‌ها، کارخانه‌ها، پادگان‌ها و دانشگاه‌ها - بنابراین باید متاع قابل عرضه‌ی آماده کرد و به اینها داد. خوشبختانه در معارف اسلامی ما متاع قابل عرضه‌ی ارزشمند دارای آیدنگی از لحاظ معرفتی، فراوان است؛ اگر کتابهای آگاهی‌مبهره‌ی مورد مطالعه و مسافله قرار بگیرد، انبوهی از معارف را به ذهن و دل هر خواننده‌ی سزایر می‌کند؛ اینها مهم و لازم است.

معلم یعنی کسی که در دل انسان یک چراغی را روشن می‌کند و او را از جهالی به دانایی و معارفی رهنمون می‌شود؛ این معنای معلم است. این بزرگترین چیزی است که در حیات انسان قابل تصور است. نمونه آن معلم شهید عزیز امروز ما یعنی شهید مطهری است که با دانش خود با فکر عمیق و بی‌رومنده خود، ابعادی از مسائل اسلامی را در بخشهای مختلف حل‌الحی کرد، بررسی کرد، روشن کرد و در خلال دهها کتاب با ارزش، این‌ها را در اختیار ما قرار داد.

فقط رفتار و منش آن مرد بزرگ، نشان‌دهنده و نمایانگر یک معلم کامل و با احساس مسئولیت بود. در هیچ عرصه‌ای از عرصه‌هایی که حضور یک متفکر اسلامی مورد نیاز بود، ایشان از ورود در آن عرصه خودداری نکرد؛ مباحثات و مصالح توناست جلی او را بگیرد که وارد این عرصه نشود؛ چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های فکری. در زمینه‌ی پاسخ به سوالات گوناگونی که در آن دوره ذهن خودنهایی ما را به خود مشغول کرده بود. شهید مطهری مثل برخی از مدعیان روشنگری دینی نبود که مطالب اجتناب از منطق دین و محتوی دین را با تعابیر دینی و قالبی دینی کند؛ بلکه درست نقطه‌ی مقابل مفاهیم حقیقی دینی را در سینه‌بندی‌های مناسب روز و متناسب با سوال و نیاز و استفسار مخاطبین عرضه میکرد.

فقط رفتار و منش آن مرد بزرگ، نشان‌دهنده و نمایانگر یک معلم کامل و با احساس مسئولیت بود. در هیچ عرصه‌ای از عرصه‌هایی که حضور یک متفکر اسلامی مورد نیاز بود، ایشان از ورود در آن عرصه خودداری نکرد؛ مباحثات و مصالح توناست جلی او را بگیرد که وارد این عرصه نشود؛ چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های فکری. در زمینه‌ی پاسخ به سوالات گوناگونی که در آن دوره ذهن خودنهایی ما را به خود مشغول کرده بود. شهید مطهری مثل برخی از مدعیان روشنگری دینی نبود که مطالب اجتناب از منطق دین و محتوی دین را با تعابیر دینی و قالبی دینی کند؛ بلکه درست نقطه‌ی مقابل مفاهیم حقیقی دینی را در سینه‌بندی‌های مناسب روز و متناسب با سوال و نیاز و استفسار مخاطبین عرضه میکرد.

امروز بعد از سه سال از شهادت آن مرد بزرگ، حرف‌های او تازه است؛ زنده است؛ گویا برای امروز نوشته شده است. آن روز هم کسانی در سطوح مختلف فکری، از سخن او و فکر او استفاده می‌کردند؛ پاسخ خودشان را می‌گرفتند؛ امروز هم که افکار جلو رفته است، مناسبات بسیاری برای ذهنهای جستجوگر حل شده است. باز به سوالات جدید پاسخگو است. این خاصیت یک فکر عمیق همراه با اخلاص است



پاندمی؛ پایان بازی با واقعیت

کنار زد؛ کشور هایی که مدعی رفاه طلبی برای همه انسان ها و ترویج دموکراسی و زندگی بهتر برای همه جهانیان بودند، امروز به دزدان مدرنی تبدیل شده اند که محموله های بهداشتی کشور های دوست خود را می ربایند. وقتی رهبری در سخنانی گفتند: یک سناتور اروپایی (اندرس گیزل سناتور وزیر داخلی دولت محلی برلین) در مواجهه با ممانعت امریکا از صادرات ماسک به کشورش این لفظ «غرب وحشی دوباره زنده شده است» را بکار برده است، یاد جمله جلال آل احمد افتادم که درباره غرب می گوید: گندم چطور می پوسد؟ از درون پوسته ی سالم برجاست اما فقط پوست. اما حال می توان گفت دیگر پوستی هم نمونده که بتوان از آن دفاع کرد. این ها همه فرصتی است برای اندیشه ناب انقلاب اسلامی که با تنها ایدئولوژی توانمند، با اتکا به مبانی اسلام و مکتب انتظار و با اثبات کارآمدی خود، تصویری روشن و متفاوت از آینده جهان را ساخته و جهانیان را به سمت خود فرا خوانده است. در حال حاضر و کنونی ما، این حصر خانگی نیست که بقا را بر ما تحمیل می کند بلکه گشودگی به روی ناممکن هاست. بر اثر وحشت زندگی همگانی است که دولت اولیگارشیک مجبور شده است تدابیری اتخاذ کند که تا همین دیروز حکم به ناممکن بودنشان می داد. در خانه ماندن به معنای الغای حضور در خیابان نیست، از نو آفریدن آن است.

یونس سیفی
کارشناسی علوم تربیتی

گسترش ویروس کرونا، از یکسو ما را با انبوهی از سناریو های ویران شهری رودررو ساخته و از سوی دیگر، آرمان شهر های متعددی در حال ترسیم شدن هستند. جهان در حال حاضر از تعدد ویرانشهر ها و آرمانشهرها در عذاب است. فارغ از اینها که غالبا سرشار از تصاویر هالیوودی و شبه مذهبی هستند، کرونا بارقه ای از پایان بازی های مدرن و پست مدرن با واقعیت است. در پرتو کرونا اکنون می توانیم درک بهتری از این بازی و شروعی دگرباره داشته باشیم. پایان این بازی به معنای پایان زمانه کلاه گذاشتن بر سر واقعیت است. دستگاه تهویه هوا برای گاز های سمی حاصل از سوخت سوخت های فسیلی، آنتی بیوتیک برای بیماری ها، آرام بخش برای اختلالات روانی دیگر برای کرونا دوا نمی شود. شاید پایه گذاران اومانیزم هرگز فکرش را هم نمی کردند که نظریه خودمختاری انسان و حکومت بر طبیعت و تاریخ روزی شکست بخورد. کاهش آلودگی هوا، کاهش میزان قطع درختان، کاهش سرعت نابودی یخ های قطبی و زاد و ولد خرس های قطبی در پرتوی شیوع ویروس کرونا را اگر نتوانیم به شکست اومانیزم در برابر خدا و طبیعت منسوب کنیم، حداقل می توانیم بگوییم دیگر انسان مرکز عالم نیست و طبیعت می تواند جانی دوباره بگیرد. شاید فرانسیس فوکویاما (نظریه پرداز مکتب لیبرالیسم)، هیچوقت فکرش را نمی کرد که توبه خود از نظریه «لیبرال-دموکراسی پایان تاریخ است» به این زودی بر عموم عیان شود. مواجهه غرب با کرونا، ظاهر فریبنده لیبرال-دموکراسی را از صورت کشور های مدعی

ماهانامه سیاسی_اجتماعی تلنگر

صاحب امتیاز:

بسج دانشجویی

مدیرمسئول:

محمدامین شیخی

سردبیر:

مهدی مرادبیک لو

مدیراجرایی:

فرهاد پادیر

طراح:

علی مرادبیک لو

هیئت تحریریه:

فرهاد پادیر، حجت حاجی زاده، یونس سیفی، شاهین کیارش پور

ویراستار:

امیرحسین فکرچوان

کارگروه رسانه:

فاطمه جعفری، رقیه مدیرروستا

روابط عمومی:

امیر کریمی

دعوت به همکاری:

از مخاطبان عزیز نشریه تلنگر دعوت می شود تا نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق پیامرسان تلگرام به آیدی زیر ارسال نمایند.

@Talangor_phf

پایگاه اطلاع رسانی



@Basij_phf